

## پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: شرح لمعه، از کتاب النکاح الفصل الثانی فی العقد تا پایان کتاب النکاح

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## سؤالات تستی:

۱. کدام گزینه غلط است؟  
 ب ۱۶۶/۳  
 ا. یصحّ اشتراط الخيار فی الصداق   
 ج. یصحّ توکیل کلّ من الزوجین فی النکاح   
 د. یجوز للمولی اجبار رقیقه علی التزویج ذکراً کان أم أنثی   
 ب ۱۸۰/۳  
 ب. یجوز اشتراط الخيار فی عقد النکاح   
 ج. بطل عقد الجدة و قدّم عقد الأب   
 د. لها الخيار فی تعیین أيهما شاءت   
 ۲. لو تزوّج البنت ابوها (الأب و الجدّ) برجلین و اقترنا...  
 ا. بطل كلاهما   
 ج. بطل عقد الجدة و قدّم عقد الأب   
 د. نکاح أبو المرتضع فی أولاد صاحب اللبن ولادة   
 ج. نکاح إخوة المرتضع نسباً فی إخوته رضاعاً   
 د. نکاح أبو المرتضع فی أولاد صاحب اللبن رضاعاً   
 ب ۲۰۱/۳  
 ب. بطلا جميعاً   
 ج. صحّ عقد البنت دون الأمّ   
 د. صحّ عقد الأمّ دون البنت   
 ۳. کدام نکاح صحیح است؟  
 ج ۱۹۱/۳ - ۱۹۲  
 ا. نکاح أبو المرتضع فی أولاد صاحب اللبن ولادة   
 ج. نکاح إخوة المرتضع نسباً فی إخوته رضاعاً   
 د. نکاح أبو المرتضع فی أولاد صاحب اللبن رضاعاً   
 ب ۲۰۱/۳  
 ب. بطلا جميعاً   
 ج. صحّ عقد الأمّ دون البنت   
 د. تخیر بین العقدین

## سؤالات تشریحی:

۱. حکم موارد زیر را از جهت حرمت ابدی بنویسید. ۲۰۷/۳  
 ا. من تزوّج امرأة فی عدتها عالماً بالعدة و التحريم و دخل بها  
 ب. من تزوّج امرأة فی عدتها جاهلاً بالعدة و دخل بها  
 ج. من تزوّج امرأة فی عدتها جاهلاً بالتحريم و لم يدخل بها  
 د. من زنی بامرأة لیس لها بعل  
 ا. حرمت عليه أبداً ب. حرمت عليه أبداً ج. لم تحرم عليه د. لم تحرم عليه.

\* لو أسلم أحد الزوجین الوثنيين قبل الدخول بطل النکاح مطلقاً (سواء کان المسلم الزوج أو الزوجة)، و یجب نصف المهر بإسلام الزوج، و بعده یقف الفسخ علی انقضاء العدة، فإن انقضت و لم یسلم الآخر تبین انفساخه من حین الإسلام، و إن أسلم فیها استمرّ النکاح. ۲۲۳/۳

۲. ضمن بیان فرع فوق توضیح دهید علت بطلان نکاح هر یک از زن و مرد (قبل از دخول) چیست؟

اگر یکی از زوجین وثنی قبل از دخول اسلام بیاورد نکاح باطل می‌شود چه مسلم زوج و چه زوجه باشد. البته اگر زوج اسلام آورد باید نصف مهر زنش را بپردازد ولی اگر بعد از دخول یکی از آنان اسلام آورد باید به مدت عدّه طلاق صبر کنند تا اگر در اثناء عدّه، دیگری هم اسلام آورد نکاح ادامه پیدا کند و گرنه خیر. علت بطلان نکاح قبل از دخول این است که اگر زوج اسلام آورد حرام است در نکاح کافره غیر کتابیه باقی بماند؛ چون نکاح کافره غیر کتابیه ابتداءً و استدامهً حرام است و اگر زن اسلام آورد آیه نفی سبیل شامل می‌شود.

\* و لو فَوْضَا فِي الْعَقْدِ تَقْدِيرَ الْمَهْرِ إِلَى أَحَدِهِمَا صَحَّ وَ لَزِمَ مَا حَكَمَ بِهِ الزَّوْجُ مِمَّا يَتِمُّوْلُ، وَ مَا حَكَمَتْ بِهِ الزَّوْجَةُ إِذَا لَمْ يَتَجَاوَزْ مَهْرَ السُّنَّةِ. وَ لَوْ طَلَّقَ قَبْلَ الدَّخُولِ فَنَصَفَ مَا يَحْكُمُ بِهِ الْحَاكِمُ، وَ لَوْ مَاتَ الْحَاكِمُ قَبْلَ الدَّخُولِ وَ الْحَكْمُ فَالْمَرْوِيُّ: أَنَّ لَهَا الْمُتَعَةَ.

۲۷۰/۳

۳. فرع فوق را همراه با مثال بیان کنید. این عقد را فقها چه می‌نامند؟

فرع فوق اشاره دارد به این که اگر زن و شوهر تعیین مقدار مهر را به یکی از خودشان موکول کنند صحیح است و اگر زوج حاکم باشد هر مبلغی را که مالیت و ارزش دارد می‌تواند تعیین کند و اگر بنا شد که زن تعیین کند نمی‌تواند از مهر السنه تجاوز کند و مهر السنه پانصد درهم است مثلاً شوهر می‌تواند مبلغ بسیار کمی را تعیین کند ولی زن نمی‌تواند از معادل پانصد درهم بیشتر تعیین کند و اگر قبل از دخول طلاق دهد نصف ما یحکم به الحاکم ثابت می‌شود و این عقد را علما تفویض المهر می‌نامند یعنی همراه عقد تفویض المهر هم هست.

۳۲۷/۳

۴. حق «حضانت» را تعریف کرده، بگویید چه کسی اولی به این حق است؟ به تفصیل بیان شود.

حضانت یعنی ولایت بر طفل و مجنون به خاطر تربیت و ولد و سایر امور و مصالحی که مربوط به او می‌شود و مادر طفل احق است به طفل در مدت رضاع اگر چه ولد مذکر باشد البته با شرایطی که ذکر شده و اگر بچه از شیر جدا شد مادر تا هفت سال احق است به حضانت دختر و پدر احق است به حضانت پسر بعد از جدا شدن از شیر یا بلوغ و احق است به حضانت دختر بعد از هفت سال.

\* لو وهبته نصف مهرها مشاعاً قبل الدخول فله الباقي لأنه بقدر حقه ... و لو كان الموهوب معيناً فله نصف الباقي و نصف ما وهبته مثلاً أو قيمة.

۲۷۹/۳-۲۸۰

۵. عبارت را توضیح دهید.

اگر زنی نصف مهر خود را به نحو مشاع قبل از دخول، به شوهرش ببخشد و شوهر قبل از نزدیکی او را طلاق دهد باید نصف دیگر مهر را هم بابت طلب شوهر به او بدهد (چون طلاق قبل از دخول بوده است و نصف مهر به شوهر برمی‌گردد) اما اگر نصف مهر را به نحو معین نه مشاع به شوهرش ببخشد و شوهر قبل از دخول او را طلاق دهد باید از آن نصفی که در دست زن است، نصف را (که می‌شود سه چهارم کل مهر) به شوهر بدهد نسبت به سه چهارم الباقي، مثل یا قیمتش را بدهد.

\* يجب على الأم إرضاع اللبأء. و إنما وجب عليها ذلك لأنه لا يعيش بدونه، و مع ذلك لا يجب عليها التبرع به، بل بأجرة على الأب إن لم يكن للولد

۳۲۵/۳

مال، و إلاً ففي ماله، جمعاً بين الحقيين. و لا منافاة بين وجوب الفعل و استحقات عوضه، كبدل مال في المخصصة للمحتاج.

۶. أ. «لبأء» چیست؟ مراد از «جمع بين حقيين» را بیان کنید. ب. عبارت «لا منافاة بين وجوب ...» را به طور کامل توضیح دهید (ترجمه کافی نیست).

أ. هو أوّل اللبن في التناج. حقّ ولد که برای زنده ماندن، واجب است بر مادرش که آن شیر را به او بدهد و حق مادر که عبارت است از گرفتن اجرت در برابر این شیر دادن ب. اگر اشکال شود: دادن لبأء بر مادر واجب است و گرفتن اجرت در مقابل آنچه که بر انسان واجب است جایز نیست. جواب داده می‌شود که هیچ منافاتی بین این دو نیست مثل نانی که در قحطی دادن آن به شخص نیازمند واجب است ولی با این حال لازم نیست که مجانی داده شود.

\* و تسقط القسمة بالسفر أي سفره مطلقاً مع استصحابه لإحداهنّ، أو على القول بوجوده مطلقاً؛ فإنه لا يقضى للمتخلفات و ان لم يقرع للخارجة. ۳۰۱/۳

۷. عبارت را توضیح دهید. (ترجمه کافی نیست)

حکم قسم به واسطه سفر کردن زوج ساقط می‌شود و این سقوط، هم بنا بر قول مشهور حاصل می‌شود و هم بنا بر قول شیخ، البته در صورتی که یکی از زوجاتش را با خود به سفر ببرد؛ زیرا در این صورت است که بر هر دو قول مراعات قسم واجب می‌شود و این وجوب

با سفر ساقط می‌شود (قول مشهور یعنی وجوب از ابتداء و قول شیخ یعنی بعد از شروع، وجوب می‌آید). جمله «أو على القول بوجوبه مطلقاً» اشاره دارد به اینکه وجوب قسمت باز ساقط می‌شود بنا بر قول به وجوب قسمت مطلقاً یعنی ولو شروع نکند به یکی از زوجاتش و یکی از زوجاتش را با خود به سفر نبرد؛ زیرا بنا بر این قول، وجوب قسم حاصل است و نیازی به بردن یکی از همسران ندارد. پس در هر صورت برای زوجاتی که با او به سفر نرفته‌اند قضا نمی‌کند و اگر چه یکی را که برده بدون قرعه برده باشد.

\* لو عقد الذمیان علی ما لا یملک فی شرعنا کالخمر، صحّ؛ لأنّهما یملکانه. فإن أسلما أو أسلم أحدهما قبل التقابض انتقل إلى القيمة عند مستحلّیه؛ لخروجه عن ملک المسلم سواء کان عیناً أو مضموناً؛ لأنّ المسمّی لم یفسد. ۲۶۵/۳

۸. ا. بیان کنید عبارت «عند مستحلّیه» قید چیست؟ ب. عبارت «لأنّ المسمّی لم یفسد» تعلیل برای چیست؟ توضیح دهید.

ا. قید بر «قیمه» است چون نزد مسلمان، خمر شرعاً دارای قیمتی نیست؛ پس ملاک، قیمت در نزد کسی که خوردن و معامله بر آن را جایز می‌داند. ب. دلیل الانتقال الی القيمة ردّاً علی من یقول حینئذ بمهر المثل. توضیح: هنگام عقد، مهر المسمّی فاسد نبوده است؛ چون بنا بر فرض در نظر متعاقدين، مما یملک بوده است و مهر المثل در صورتی است که مهر به نحو فاسد واقع شده باشد.

\* و لو اختلفا فی قدر المهر قدم قول الزوج لاصالة البراءة من الزائد علی ما یعترف به و احتمل العلامة فی القواعد تقدیم قول من یدعی مهر المثل عملاً بالظاهر من عدم العقد علی مادونه و أنّه الاصل فی عوض الوطاء المجرّد عنه کالشبهة، و فیه أنّ الاصل مقدّم علی الظاهر عند التعارض إلّا فیما ندر و أنّما یکون عوضاً من وطاء مجرد عن العقد او فی مواضع خاصة. ۲۸۵/۳ - ۲۸۶

۹. نظر علامه را توضیح داده، بیان کنید عبارت «و إنما يكون عوضاً عن وطاء مجرد عن العقد او فی مواضع خاصة» در مقام پاسخ از چیست؟ آن را توضیح دهید.

در اختلاف زوج و زوجه در مقدار مهر، نظر علامه آن است که قول آن کسی مقدم می‌شود که ادعای مهر المثل را نموده است خواه زوج باشد یا زوجه. در مقام پاسخ از دلیل دوم علامه است که فرمود: اصل در عوض وطیی که مجرد از عقد است - مثل وطی به شبهه - مهر المثل می‌باشد و مورد نزاع را هم به همین حمل می‌کنیم. و توضیح پاسخ این است که مهر المثل فقط در وطیی که خالی از عقد است یا در موارد خاصی که دلیل خاصی دارد عوض قرار داده می‌شود و در ما نحن فیه بنا بر فرض هم وطی بوده و هم عقد و هم مهری وجود داشته است و اگر چه الان در مقدارش اختلاف است.